



ابوالقاسم طالبی(فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شهبادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

حسین یاری(بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (نویسنه)

مجید معینی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

طنز فاخر و الزامات آن

■ تهیه و تنظیم: کامران پورعباس

– رهبر انقلاب طرفدار طنز فاخر هستند و بر تقویت طنزهای واقعی تأکید دارند: «طنز فاخر و برجسته، یکی از هنر هاست. طنز، هنر خیلی بزرگی است... طنزهای واقعی را تقویت کنید، پرورش دهید و کمک کنید تا طنز بیاورند. طنز، یعنی مطلب مهم جدی که با زبان شوخی بیان می شود؛ محتوا و معنایی در آن هست، منتها به زبان شوخی.»

– مراقب باشید شادی در مردم با لودگی و ابتذال و بی‌بندوباری همراه نشود؛ از این طریق به مردم شادی داده نشود. همه‌جور می شود به مردم شسادی داد؛ از نوع صحیح آن شادی داده شود. گاهی اوقات یک لطیفه یا یک تعبیر بجا مخاطب را شاد و خوشحال می کند؛ گاهی هم ممکن است یک آدم لوده یا ده جسور ادا درآوردن، نتواند آن طور شادی را ایجاد کند. شادی کردن و شادی دادن به مردم، به‌معنای لودگی نیست.»

– رعایت متانت و پرهیز از کارهای سبک
«یک نکته موضوع متانت است. یک برنامه شوخی و تفریح سبک، با یک شوخی و تفریح متین و سستگین فرق می‌کند. هر دو هم می‌توانند شوخی یا تفریح باشد. هر دو می‌توانند در درجات مختلفی از شوخی و تفریح و مزاح باشند. این‌طور نیست که یک تیپ متین، حتماً مایه تفریحی و شوخی کمتری داشته باشد، یا یک تیپ سبک، حتماً مایه تفریحی و شوخی بیشتری داشته باشد؛ نه. مواظب باشید در برنامه‌های تفریحی، کارهای سبک، انجام نگیرد. از قهقهه‌های مستانه و صداهای مستانه در همخوانی‌های جمعی، به کلی جلوگیری کنید. گاهی اتفاق می‌افتد که با هم شعری را می‌خوانند و حرکت مستانه‌ای انجام می‌دهند که سبک است و لزومی ندارد... تشخیص این است که هیچ کار هنری، در هر تربت‌ای از هنر که باشد، با متانت هیچ منافاتی ندارد و نقش‌های مختلف می‌تواند با متانت همراه باشد. که بسیار مهم است.»

رهبر انقلاب طرفدار طنز فاخر هستند و بر تقویت طنزهای واقعی تأکید دارند: «طنز فاخر و برجسته، یکی از هنر هاست. طنز، هنر خیلی بزرگی است... طنزهای واقعی را تقویت کنید، پرورش دهید و کمک کنید تا طنز بیاورند. طنز، یعنی مطلب مهم جدی که با زبان شوخی بیان می شود؛ محتوا و معنایی در آن هست، منتها به زبان شوخی.»

ایشان الزامات و خطقرمزهای طنز و طنزآزی را تعیین و تبیین فرموده‌اند که در

کتاب «**رگ خواب**» نگاهی به فیلم «**رگ خواب**» آرش فهیم
مرد اول فیلم (با بازی کوروش تهامی) چرا یک شبه اخلاقی تغییر می کند و از عاشق، به دشمن تغییر موضع می‌دهد!
مشکل دوم، فقدان نگاه تحلیلی و آسیب‌شناختی به مسئله است. به هر حال، هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که ازدواج سفید، یکی از اثرات رسوخ و رسوب مدرنیته سطحی و وارداتی و بازتاب غلبه سبک زندگی غیردینی و ضدسننتی در بخشی از جامعه امروز ماست. اینکه در فیلم «رگ خواب» می‌بینیم شخصیت اصلی داستان پس از فرورفتن در باتلاق یک رابطه نامتعارف، دچار فاجعه و بلا می‌شود، یک تمهید محتوایی بسیار کلیشه‌ای و کهنه است. گرفتار شدن به عقوبت گناه، نقمشای‌های است که یک قرن در سینمای جهان تکرار می‌شود، بی‌آنکه تماشاگران از آنها درس عبرتی بگیرند!
فیلم «رگ خواب» به جای تخطئه سبک زندگی افسارگسیخته و غیرمذهبی، با پنداری شبه فمینیستی به مسئله می‌پردازد. اهریمن‌نمایی مردها و تأکید بیش از حد و افراطی بر

یکی از مهم‌ترین و فراگیرترین و پر مخاطب‌ترین برنامه‌های صداوسیما، برنامه‌های تفریحی و یکی از مصادیق برنامه‌های تفریحی، برنامه‌های طنز هستند.

برنامه‌های طنز، برنامه‌های حساسی هستند چرا که طنز با کوچکترین بی‌دقتی با توهین، سیاه‌نمایی و تمسخر آمیخته می‌گردد. معمولاً هر برنامه هنری هم که بخش شده از این آفات مزرا نبوده است و خواسته یا ناخواسته رگه‌هایی از هنجارشکنی و یأس‌آفرینی بر آن تأبیده است.

رهبر انقلاب طرفدار طنز فاخر هستند و حد و حدود آن را مشخص نموده، طنزپردازان فرهیخته را مورد حمایت و تقدیر قرار داده و از برنامه‌های طنزآمیزسال‌م پشتیبانی فرموده‌اند.

عبادت بودن ساخت برنامه تفریحی

رهبر انقلاب بر عبادت بودن ساخت برنامه تفریحی برای مردم تأکید فرمودند: «در چهره اسلام، تفریح و ادخال سرور – دیگران را مسرور کردن، خوشنود کردن، خوشحال کردن، شاد کردن و امیدوار کردن – جای بسیار حساسی دارد. بنابر این، بدون شک باید که یک کار تفریحی را انجام می‌دهید، یک نمایش اجرا می‌کنید، یک ماجرای طنزآمیز را بیان می‌کنید، یک شعر اجرا می‌کنید و می‌خوانید یا یک مسابقه اجرا می‌کنید، در همان حال احساس کنید که یک عبادت انجام می‌دهید.»

اصل بودن شادی در برنامه‌ها

ایشان بر اصل بودن شادی در برنامه‌ها تأکید نمودند: «تیباید نمایشنامه‌هایی پخش کنید که فضای زندگی را تلخ می‌کند. ایجاد نگرانی، اضطراب و دلهره، لزومی ندارد... از هر چیزی که مایوس‌کننده است، باید به کلی پرهیز شود. برنامه‌ها باید شاد باشد. شادی را فرح را و مسرور را، اصل قرار دهید. هر پیامی هم که می‌خواهید دهید، در لابه‌لای این شادی بیاید. چرا پیامها در لابه لای موضوعی نامیدکننده باشد؟»

آرامش به روح؛ مقصود خندانن

معضله آسایش و آرامش به روح را مقصود خندانن مردم می‌دانند: «این نکته بسیار مهمی است که اصلاً از تفريح مقصودمان چیست؟ شما انسانهای برگزیده‌ای هستید. آنجا نشستمتايد که فقط مردم را بخندانيد. فقط خنده که نیست. مقصود این است که این خنده، آسایش به روح بدهد و آرامشی ببخشد. همان‌طور که گفتیم، جامعه مثل کارخانه عظیمی که از فلز درست شده و یک میلیون قطعه فولاد را حرکت می‌دهد؛ سایش دارد، استهلاک دارد، لذا گاهی مقداری روغن لطیف و خوشرنگ، تمام سایشها

حمید نعمت‌الله از آن دسته فیلمسازهایی است که در اغلب آثارش، تصویر و تصویری خاص و منحصر به فرد را از اجتماع و انسان به تصویر کشیده است. تصویر نمسوت، اما فیلم جدید وی، در عين جسارت و ساختارشکنی اما از ارائه تصویری متفاوت و انتقال حس و معنایی تازه به مخاطب ناتوان است.

«رگ خواب» قرار بوده با نگاهی آسیب‌شنختی، مولودرامی درباره ازدواج سفید باشد.

اما این فیلم هم مثل بسیاری از آثار جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر که موضوعات زنانه و خانوادگی را دستمایه قرار دادند، از دو ناحیه ضربه دیده است؛ نخست اینکه ساختار روایی و دراماتیک فیلم بیش از آنکه از منطبق ذنبای واقعی بیروی کند، تابع نظر و برنامه‌ریزی شخصی خالقان فیلم و فیلمنامه این اثر است. یعنی تحولات شخصیت‌ها که اساس و مبنای فراز و نشیب‌های داستان را در این فیلم شکل می‌دهند، به جای اینکه ناشی از کنش و واکنش روان شناختی شخصیت‌ها باشد، از سوی نویسنده و کارگردان به فیلم تحمیل می‌شوند. به بیان ساده‌تر، ما در «رگ خواب» شاهد شکل‌گیری یک رابطه عاطفی و بظاهر عاشقانه میان یک زن و مرد نسبتاً پخته و در آستانه میان‌سال هستیم. اولاً هیچ زمینه‌سازی منطقی برای شکل‌گیری و تعمیق این رابطه در فیلم دیده نمی‌شود. بطور مثال، مشخص نیست که مینا (با بازی خوب لیلا حاتمى) چرا اینچنین شیفته و وابسته مردی می‌شود که اصلاً شناختی از او ندارد و نمی‌داند که جنس رویش چیست! دوم هم اینکه هیچ کس متوجه نمی‌شود

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که سالهاست– از اول انقلاب و حتی پیش از آن تا کنون– در حوزه مباحث هنری و به خصوص سینما و تلویزیون محل تلاقی دغدغه و نگرانی متدینین بوده بحث حجاب و عفاف است.

همه نیک می‌دانیم که همیشه متدینین نسبت به حوزه سینما و تلویزیون به خصوص از منظر و موضع مباحث دینی و تقییدات آیینی و به خصوص بحث حجاب و عفاف، سوآلات و نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی متنوع داشته‌اند.اینکه سینما و تلویزیون ما چه تصویری از حجاب و مهم‌تر از آن، عفاف به مخاطبانش ارائه می‌دهد و این تصویر تا چه اندازه ملهم از آموزه‌های دینی و تا چه اندازه قابل اعتنا و اعتماد است از زمره جدی‌ترین و اصلی‌ترین نکات در این خصوص است.

بگذارید از اینجا شروع کنیم؛ تکراری‌ترین و آشنا‌ترین تصویر یک زن چادری هم در سینما کدام است؟ قدری به خاطرات و آرشيو ذهنشان فشار بیاورید. خوب! پاسخ چیست؟ درست است! شما هم مثل نگارنده یک تصویر آشنا به ذهنتان خطور کرد: تصویر زن بذهن‌کار یا منتهی‌ی که برای ادای توضیحات وارد داده‌ام می‌شود. این زن یک مشخصه ظاهری دارد؛ چادرا؛ بله درست است. البته با تأسف و تأثر!این تصویر آشنا و پرسامند زن چادری در سینمای ما از زن و چادر است!

البته نمونه‌های عجیب و غریب دیگری هم هستند که نمی‌دانیم باید به دیده تردید به آنها بنگریم یا موضوع دیگری در کار است. به بررسی این نمونه‌ها در ادامه مطلب خواهیم رسید. اما تصویری که از زن در سینما – نه تنها سینمای ایران و بلکه سینمای جهان– ارائه می‌شود با همه تفاوت‌های نسبی و تضادهای گاه و بی‌گاهی که دارد از یک مدل معمولی و دستمالي شده همیشگی بیروی می‌کند: تصویری که مبتنی بر ارزش‌های والای انسانی و اسلامی که در زن مستتر و فطری است بلکه نمایان‌الکن و ابنر از چیزهایی که سالهاست به خورد مخاطب داده می‌شود. حالا فرقی هم نمی‌کند که مایه‌های فمینیستی ادبیات و فرهنگ غرب منشأش باشد یا نگاه سنتی به معنای منفی و غلطش در شرق. آبشخورش تحجر و واپس‌گرایی تشبه دینی و شبه سنتنی باشد یا سقوط در دره فمینیسم و آزادی مطلق جنسی و نگاه کالامآب به زن که دستاورد مهمی(۱) در غرب و در برابر هواداران فرهنگ غربی است!

اما این همه ماجرا نیست. در واقع شاید بتوان گفت یک پازل دیگر که در هم تنیدگی مخفی و فریبنده اما اثرگذارى در کنار این شیوه معمول و مأروف و عریان برهنگی فرهنگی دارد، شیوه‌ای است که در برخی از فیلم‌ها و سریال‌های خودمان و در نظام برنامه سازی داخلی بی‌گیری می‌شود که البته پیچیده تر، فریبناز و حرفه‌ای‌تر و مرموتر از آن گروه اول است.

بگذارید با یک مثال موردی شناخته شده دم‌ستى موضوع را بی‌بگیریم:

چند سال قبل، سریال نسبتاً پر مخاطبی به نام «دوگوش» پخش می‌شد که از جمله سریالهای مناسبتی ماه رمضان هم بود. دودکش به جهت جذب مخاطب و ریتم و تپش‌ها و... و سریال نسبتاً سریا و آپرومندى بود. اما اولین زنی که در این سریال با «چادر» حضور پیدا کرد– در نقش مادر زن یکی از نقش‌های فرعی– حضورى به شدت در فرم، صصی، پرخاشگر و غیرمنطقی داشت. این حضور از این جهت خیلی اهمیت دارد که چرا اولین بانویی که با «چادر» در این سریال حاضر می‌شود باید چنین تصویری از خود به نمایش بگذارد؟! شاید بشود گفت اشتباهی رخ داده و هیچ عمد و غرضی هم در کار نبوده و این واقعه کاملاً تصادفی است. این در حالی است که در طول سال‌های گذشته خیلی اندک و در حد التادر کالم‌مدوم، نمایش نسبتاً خوبی در برخی از آثار نمایشی در باب به تصویر کشیدن غیر کلیشه‌ای و قابل دفاع از چادر داشته ایم که شاید بهترین نمونه اش هم در سینما و در فیلم زبایی «به همین سادگی» بود، هر چند اکثر سریالها و فیلم‌هایمان کماکان ناگاهی ارتجاعی و دمده و غیر قابل دفاع به هویت چادر و زن چادری دارند و هنوز هم مثل سه دهه قبل، فقط موقع نشان دادن «بدبختی» و «عزرا» و «زهکارتی» و «زندان» یاد چادر و زن چادری می‌افتند!چادری که چه در هویت دینی و چه در تاریخ ملی ما، جایگاه و پایگاهی جدی و مبانی قابل دفاعی است.

بیش از این روی این نکته تأکید نمی‌کنیم و قضاوت را به مخاطب و امی گذاریم فقط ذکر این جمله را بد نمی‌دانیم که گاهی اوقات یک صحنه یا سکانس یا بازی فرعی ممکن است در ظاهر عادی و ساده و «همینطوری» به نظر برسد ولی قدری که دقت می‌کنیم معانی بعضاً خطرناک و تأسف برانگیزی را به دنبال می‌آورد. اینطور نیست!



هادی محمدیان (نویسنه)

مجید معینی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

تاجران سینمایی و هزینه‌های فرهنگی

■ مهدی امیدوی



سینمای ایران، مدتی است که با هجوم فیلم‌های کم‌دی سختیف مواجه شده است؛ «هجومی» که طی دو سال اخیر، تورم پیدا کرده و در سال جدید به اوج خود رسیده است. اگر چه حضور فیلم‌هایی از راتر کم‌دی بر پرده سینماهای کشور، امری طبیعی و به یک معنا لازم به نظر می‌رسد، اما آنچه نگران‌کننده است، تبدیل شدن نوع خاصی از کم‌دی نازل که از نظر ساختاری، مملو از کی‌کاری و کلیشه و از نظر محتوایی، در حد بیان شعارهای سطحی است به جریانی فراگیر در سینمای ماست.

آیا این جریان را می‌توان به سود فرهنگ کشور دانست؟

برای پاسخگویی به این دست پرسش‌ها، باید به اصول و بنیادهای هنر و سینمای انقلاب، آنچه‌آن که در آرا، گفتاها و نوشته‌های بزرگان مکتب انقلاب آمده است رجوع کرد. با این کار، بدون شک پاسخ منفی است؛ چرا که در این فیلم‌های طنزآمیز سینماها، هدف اصلی خنده و تفنن است؛ در صورتی که خنده و تفنن نمی‌توانند به عنوان هدف استفاده شوند، بلکه باید وسایلی باشند برای رسیدن به اهدافی والا و متعالی؛ به این معنی که برخی از نکات را در قالب‌های جدی نمی‌توان گفت، اما طنز و کم‌دی، می‌تواند با استفاده درست، منطقی و اخلاقی، به کمک فرهنگ‌سازی بیاید. در بسیاری موارد، بیان حرف حق و آگاهی بخشی به مخاطب، به وسیله این قالب موثر تر خواهد بود. اما متأسفانه سینمای طنز و کم‌دی امروز ایران، مسیری کاملاً خلاف این جهت را می‌رود. با نگاهی گذرا به آثاری که به عنوان طنز، طی یک دو سال اخیر روی پرده آمدند، می‌توان این برداشت را داشت که تقریباً تمام آنها، هدفی جز سرگرم‌سازی و خندانن مخاطب نداشته و در فرامتن چنین هدفی، غایت مادی یا سیاسی باطل را می‌جست‌اند. غفلت مخاطبان و دور ساختن آنها از اندیشیدن و خودآگاهی در فضایی معنوی و آرمانگرایانه، کارکرد اصلی این‌گونه سینمایی در ایران بوده است. بسیاری از حرکات و کلمات مورد استفاده در آثار کمیک ایرانی، بدون شک با دین در تضاد هستند. شادی برخاسته از چنین آثاری، همراه با انتقال نوعی سبک عقلی و روحیه خودباختگی در مقابل سوارزش‌ها بوده است.

وقتی از مسایل مضمونی و محتوایی در سینما صحبت می‌کنیم عدای اعتراضی می‌کنند و می‌گویند سینما قبل از این که بتواند به ترویج و اشاعه آموزه‌های اعتقادی دست بزند، باید از نظر صنعتی و تکنیکی درست شود و با این سخن که سینما بدون جذب مخاطب و بازگشت سرمایه رو به نابودی خواهد رفت. این نکات درست هستند، اما با نگاهی عمیق به مسئله هر درک کرد که جریان سینمای طنز ایران در سال‌های اخیر– که البته شروع آن از دوران حاکمیت فرهنگی غرب‌زدگی تساهل جوی اصلاحات بود– منجر به پایین آوردن سطح سلیفه مخاطبان سینما شده است. وقتی تلافیه بینندگان به چنین فیلم‌هایی عادت کرده، آن وقت باید شاهد بی‌تماشاگردن سایر فیلم‌ها بود، هر چند از نظر صنعتی و فنی تکامل یافته باشیم.

طنز سبک و بی‌هدف جنلیاتی کاذب دارد که مخاطبان خود را موجوداتی فاقد تعادل روحی و روانی می‌پندارد و با تحمیق مردم، زمینه را برای عوام‌زدگی و میان‌مایگی آماده می‌سازد و چنین مسئله‌ای نتیجه‌ای جز استعمار روحی و فکری جامعه برای «تاجران سینمایی» نخواهد داشت.

گذشته از تمام این مسایل، فیلم‌هایی چون «گشت ۴۲»، «هنگب عنبر ۴۲»، «کسیان»، «خوب، بد، جف...» در درآمدت به اضمحلال و زوال سینمای ایرانجامند، نکته مهم این است که اکثر این فیلم‌ها دارای شباهت سبکی و ساختاری هستند و این مسئله نوعی رکود و یکنواختی را بر سینما تحمیل کرده است.

این معضل، نه تنها فرصتی برای بازسازی بدنه سینمای ایران و آشتی دادن مخاطبان نیست، بلکه تهدیدی علیه فرهنگ جامعه محسوب می‌شود؛ به خصوص این که می‌توانیم تعداد زیادی از این نوع آثار در نوبت اکران هستند و تعداد بسیار بیشتری نیز در مراحل مختلف تولید قرار دادند.

بسا تأمل و متانت و بصیرت با این موقعیت مقابله کنند و عزم فکری و حرکت جهادی خویش را برای مقابله‌ای روشنگرانه و پیشروانه و نه منفعلانه و سطحی و زودگذر در برابر این هجوم فرهنگی به انجام رسانند. بی شک در چنین موقعیتی کار فرهنگی اصل است و کار فرهنگی هم دارای پیچیدگی‌های خاص خود و نیازمند دقت و تأملی درخور برای رسیدن به اهداف آن است.

راهکارهای گوناگونی را می‌شود در این موقعیت سننجید و به کار بست و از همه ظرفیت‌های فرهنگی و فضای رسانه‌ای در کشور نیز می‌توان بهره جست. نباید میدان را به حریف واگذار کرد همان‌طور که نباید در زمین دشمن و با چینیسی که او می‌خواهد و تدبیر کرده به بازی گرفته شد.

اینک بایستست است گوهر حجاب و دستاوردهای بانوان مسلمان که با حفظ عفاف و متانت و دیانت خویش، قله‌های علم و معنویت و پیشرفت را فتح کرده‌اند بیش از پیش به نمایش گذاشته شود.

و یا در همین فضاهای مجازی جنبش نرم «آری به حجاب» راه‌اندازی شود و با حضور جدی و همه جانبه و یکپارچه امت حزب الله، این دسیسه شیطانی دشمنان دین، خثنی گردد، و هزار و یک کار دیگر که اگر دقیق و عمیق بپاندیشیم، می‌توانیم به دستاوردهای خوبی نائل شویم.

مثلاً در همین نمایشگاه کتاب اخیر؛ این ایده که با گل از بانوان محجبه پذیرایی شود و حجاب و عفاف آنها پاس داشته شود، ایده‌ای ارزشمند بود که نتایج بسیار خوبی را هم در پی داشت و به هر چه معنوی‌تر شدن فضای نمایشگاه یک گام نزدیک‌تر شد.

ما هزاران بانوی محجبه دانشجو و طلبه داریم که مراتب کمال علمی و معنوی را طی کرده و به مراتب بالای معرفتی دست یافته‌اند. ما هزاران مادر شهید، خواهر شهید، همسر شهید، خانواده آزادگان و بانوانی که از همسران جانباز و شیمیایی خویش سالیهاست مراقبت و مواظبت می‌کنند و چنین مجاهدتی را به انجام می‌رسانند داریم؛ اینها همه الگو و اسوه‌اند. ما اگر چنین گوهر‌های شب افروز و گنجینه‌های انسانی جامعه اسلامی خویش را معرفی کنیم و به آنها بیش از پیش ببالیم، می‌توانیم نه از موضع تدافعی بلکه از موضع تهاجمی در فضای جهانی حضور داشته باشیم و به دفع هجوم‌های فرهنگی دشمنان دین خدا نائل آیم. آیا براستی عمال استکبار جهانی و پیاده نظام جریان منحنط غربی، می‌خواهند با خیمه شش‌بازی «نه به حجاب» ششان در برابر کوه مقاومت و عفاف و متانت و دیانت زن ایرانی مسلمان بایستند؟!

اگر آن روز بانوی مسلمان با حجاب خویش، رضانخان قلندر قداره بند را به خاک سیاه نشانند، امروز هم لشکر مومنان راه خدا و بانوان عقیفه و متفکر و پیشرفته ایرانی، پاسخ محکمی به دسیسه‌های شیطانی سیاهی لشکر غرب را خواهد داد!

حالا می‌توان نقطه اتصال موضوع و مقوله اول را با مسئله دوم درک کرد و حساسیت بالا و حیاتی «بازمندی به اتاق فکری» که در ابتدای این نوشتار بدان اشاره کردیم و فقدانش را یادآور شدیم مطمح نظر قرار داد.

نگارنده معتقد است مقوله چهارشنبه‌های سفید ارتباط پیچیده و قابل اعتنا و تأمل برانگیزی با مسئله سینمایی و تلویزیونی ما دارد که مستقیماً با غیرمستقیم و سلبی آری؛ اینجا به محلول حجاب، عفاف چادر و چیزهای دیگری از این دست ورود می‌کنند. با‌اینما باشد چهارشنبه‌های سفیدتنها در جامعه‌ای جواب می‌دهد که پیش از آن، زمینه‌های فکری و تربیت بصری و کلیشه‌های رایج تصویری در جهت زیر سؤال بردن حساب و به خصوص چادر به عنوان حجاب برتر یا آن عقبه تاریخی افتخارآمیز، به همت برنامه‌سازان و تولیدکنندگان آثار پر مخاطب، عمل کرده باشد!

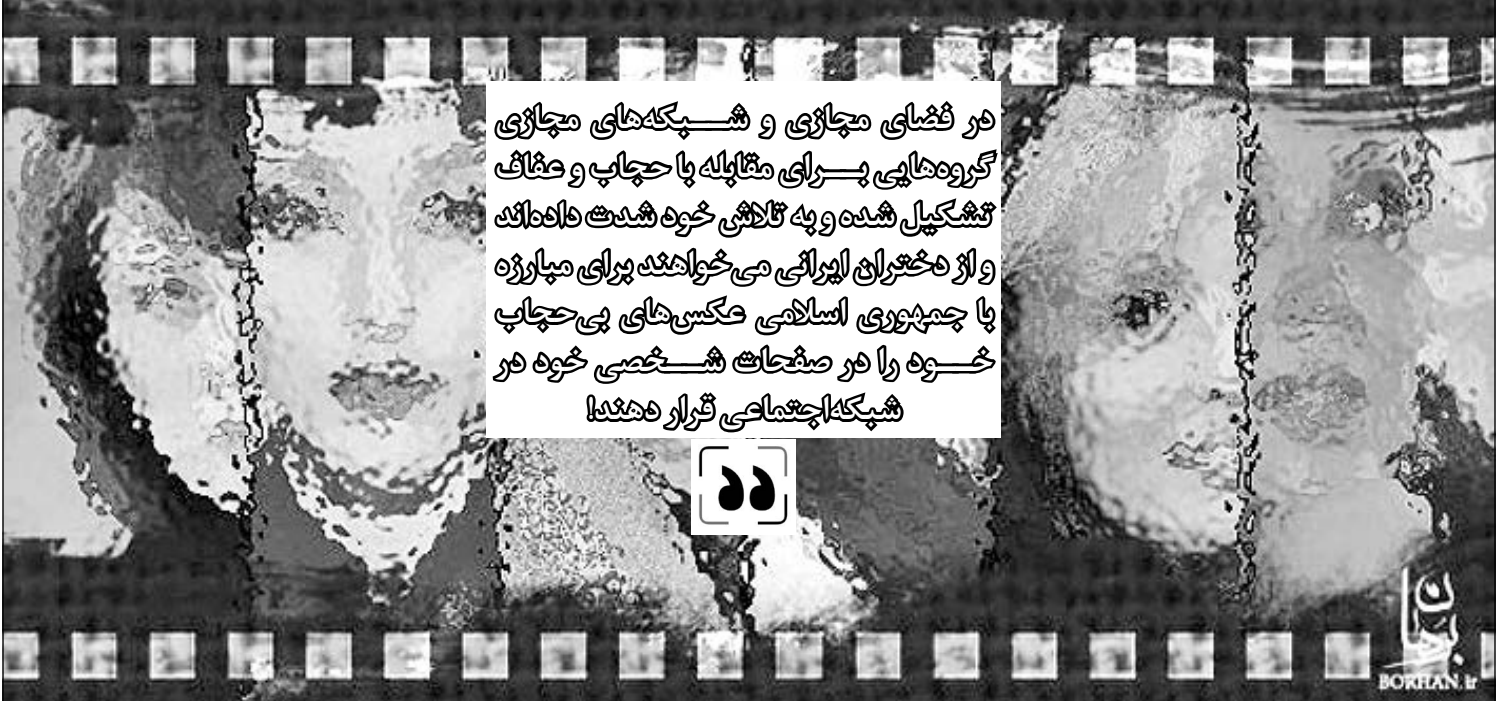
آری؛ هنوز هم یکی از مهم‌ترین موضوعات که در حوزه مباحث هنری و به خصوص سینما و تلویزیون محل تلاقی دغدغه و نگرانی متدینین بوده بحث حجاب و عفاف است. هنوز هم متدینین – کاملاً بجا و درخور– نسبت به حوزه سینما و تلویزیون به خصوص از منظر و موضع مباحث دینی و تقییدات آیینی و به خصوص بحث حجاب و عفاف، سوآلات و نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی داشته‌اند.

و هنوز هم اینکه سینما و تلویزیون ما چه تصویری از حجاب و مهم‌تر از آن، عفاف به مخاطبانش ارائه می‌دهد و این تصویر تا چه اندازه ملهم از آموزه‌های دینی و تا چه اندازه قابل اعتنا و اعتماد است از زمره جدی‌ترین و اصلی‌ترین نکات در این خصوص است. پاسخ و تأمل در این سوآلات با چه کسی و وظیفه کدام نهاد است؟



تهامی و مظلومیت زن از نمودهای شبه‌فمینیستی هستند که این فیلم به عینه دیده می‌شود. مینا حتی در سخت‌ترین شرایط و در اوج اضمحلال نیز حاضر نیست نامی از خدا ببرد. هیچ معنویی در فیلم وجود ندارد. حتی نتیجه‌گیری فیلم نیز راهی به رهایی ندارد. فیلم به جای بیداری، به کابوس می‌رسد و ذهن مخاطب را در آشفتنگی و تاریکی رها می‌کند و تمام می‌شود!

جایگاه و جلوه حجاب و عفاف در رسانه ها
کدام سینما نقشه شوم «چهارشنبه‌های سفید» را کامل می کند؟!
محمدرضا محقق



در فضایی مجازی و شبکه‌های مجازی گروه‌هایی پُررای مطالبه با حجاب و عفاف تشکیل شده و په تلاقی خود شدت داده‌اند و از دختران ایرانی می‌خواهند برای مهارزه پا چپ‌پواری اسلامی عکس‌های بی حجاب خود را در صفحات شخصی خود در شبکه اجتماعی قرار دهند!

د

راه به رخ کشید. باید صورت بود و با متانت و البته دقت و حساسیت و زمان شناسی و بجا و درخور عمل کرد. ما در طول این سالها از دست این رفتارهای باری به هر جهت و فکر نشده و ظاهری و سطحی کم آسیب ندیده ایم.

نباید یادمان برود، حتی همین‌ها که شاید وارد بازی شیطانی این جنبش شوند، اهالی همین مملکت و دختران پاک همین سرزمینند که شاید بازی خورده‌اند و فریب، شاید کبنه‌ای از رفتاری ناجب‌بردل داشته‌اند و حالا می‌خواهند اینجوری تلاقی کنند و انتقام بگیرند– از که؟ از چه؟ حواسمان باشد و دوست را از دشمن و عاقل را از معاند و فریب خورده را از عمله برنامه‌ای پیچیده بازشناسیم.

اما از اینجا که بگذریم، جنگ فرهنگی یک واقعیت است. نمی‌شود انکار و کتمانش کرد یا دست کم گرفت. حقیقت این استت که این روزها و در ادامه اتفاقی که طی سال‌های اخیر، خاصه در شبکه‌های اجتماعی رخ داده است، شاهد یک موج مخرب شیطانی علیه دستاوردهای دینی و مظاهر و نشاتن اسلامی هستیم. شاید بشود گفت سبیل این هجوم خصمانه موج مجازی، پدیده حجاب است.

زوج خورد هوشمندانه با ترویج بی حجابی

اگر اهل مطالعه تاریخ باشیم به خوبی می‌فهمیم چرا دشمنان اسلام اینقدر علیه حجاب دشمنی می‌کنند و چرا موضوع حجاب تا این اندازه برای آنها مهم و حیاتی است. این روزها، زن مسلمان ایرانی و گوهر حجاب اسلامی با همه‌ای عجیب و پیچیده و به اصطلاح «ترم» روبرو شده است.

تردیدی نیست که مواجهه رسانه‌ای با این عملیات روانی دشمن نیاز به فکر و تدبیر و عقاَلتیت دارد و با رفتارهای احساسی و شعاری زودگذر، تاثیر این حمله دشمن را بیشتر کرده و در نهایت به بازی کردن در زمین دشمن منتهی می‌شود. جای آن دارد که بیروان راستین اسلام ناب و علاقه‌مندان واقعی نهضت حضرت روح‌الله(ره) غیرتمندانه و دلسوزانه،